

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد حیدر اختر

۱۵ جون ۲۰۲۰



مصاحبه چند "رفیق" در باره کنسرت و آهنگی از ناشناس

از زمانی که کتاب "ناشناس ناشناس نیست" نشر شد واکنش های زیادی را در پی داشت. چه از نگاه سیاسی، چه از بعد هنری و بیشتر هم در بخش زبان و زبان شناسی.

یک تعداد از هموطنان ما از رک و راست گوئی داکتر "صادق فطرت" در قسمت زبان و زبان شناسی دل خوش نشان ندادند و شروع نمودن به انتقاداتی که جائی رانگرفت زیرا زمانی که یک موضوع در کتابی و یا نشرات کتبی، صوتی و تصویری انتشار می یابد جمع کردن آن کار آسانی نبوده بلکه غیر ممکن می باشد.

همچنان در مسایل سیاسی و هنری داکتر "صادق فطرت" هم سرو صدا های فراوانی شنیده می شود به گونه مثال در این اواخر از طریق صفحات اجتماعی و فیسبوک ها مصاحبه "رفیق" احمد شاه راستا که یکی از اعضای حزب دیموکراتیک خلق شاخه پرچم و کارملی می باشد و بنا به قول پرچمی های دو آتشه هنوز هم که هنوز است پرچم مبارزه را به زمین نگذاشته و همچنان یکی از پاسداران به اصطلاح انقلاب ثور می باشد انقلابی که نه طلوع دل انگیز داشت و نه هم غروب غم انگیز. مصاحبه در باره کتاب "ناشناس ناشناس نیست" به خصوص در صفحات "رفقای" پرچمی و پرچمی پسندان، دست به دست می شود. در این مصاحبه "رفیق" احمد شاه راستا سعی می ورزد تا آنچه را که درباره سرود "ای دی آزادی خاوری تاته موسلام دی" که شعرش از "ملگری" یا "رفیق" سلیمان لایق می باشد، توسط یک عده هنرمندان رادیو تلویزیون به شمول آقای ناشناس سروده شده، به اصطلاح پرده بردارد. ناشناس در کتابش ادعا کرده که این آهنگ را سلیمان لایق با فشار سلاح بالايش اجراء نموده بود..

"رفیق" احمد شاه راستا دو "رفیق" همزمش را که یکی آن زلمی رزمی منشی سازمان اولیه ریاست افغان فلم و از فعالان خاد هفت و دیگرش "رفیق" فاروق زرنگ عکاس و بعداً فلم بردار تلویزیون افغانستان و یکی از پرچمی های شناخته شده و همچنان از فدائیان داکتر نجیب الله رئیس شکنجه گران خاد و بعد دست نشانده شوروی در جای ببرک

کارمل نابود شده، می باشد دعوت نموده و می خواهد آن چه را که داکتر صادق فطرت ناشناس در کتاب "ناشناس ناشناس نیست" اظهار داشته بهتان و دروغ ثابت نماید.

مگر این خادیس‌های شکنجه خوی و اصلاح ناپذیر از آغاز مصاحبه تا اخیر که تقریباً یک ساعت یا کمتر ادامه داشت، هیچ چیزی بر این گفتن نداشتند. گاهی به این شاخه و زمانی به آن شاخه خیز می زدند.

من هیچ گاهی نمی خواهم مدافع نویسنده کتاب ویا داکتر صادق فطرت ناشناس باشم. ولی باید بگویم که "رفیق" احمد شاه راستا به آدرس غلط مراجعه کرده زیرا در آن زمان نه رفیق رزمی و نه رفیق زرنگ کارمند رادیو تلویزیون بلکه هردو در ریاست افغان فلم که یکی از ارگان های کمیته دولتی رادیو تلویزیون بود، کار می کردند. بناءً از جریان کار کارمندان رادیو تلویزیون هیچ گونه اطلاعی نداشتند

تا جائی که من می دانم این آهنگ در استدیوی ۴۸ رادیو افغانستان زیر نظر "رفیق" مسحور جمال ثبت گردیده بود. از این که سلیمان لایق ناشناس را با نشان دادن سلاح مجبور به اجرای آهنگ کرده باشد اطلاعی ندارم. باشد به قضاوت شرف و وجدان محترم ناشناس "رفیق" سلیمان لایق و مردم پاکیزه.

در یک قسمت مصاحبه "رفیق" رزمی اظهار داشته که ناشناس در آن وقت رئیس موسیقی رادیو تلویزیون بود. غلط. در حالی که در تشکیل هنوز مدیریت عمومی موسیقی رادیو تلویزیون به ریاست ارتقاء نکرده بود. مدیریت موسیقی رادیو افغانستان و مدیریت موسیقی تلویزیون هر کدام وظایف خود را تحت نظر مدیریت عمومی موسیقی رادیو تلویزیون پیش می بردند.

در روز های نخستین کودتای نا میمون هفت ثور، سلیمان لایق به حیث رئیس کمیته، خیال محمد کتوازی به حیث معاون، بشیر رویگر به حیث رئیس عمومی نشرات رادیو و تلویزیون و داکتر صادق فطرت ناشناس به حیث رئیس نشرات رادیو ایفای وظیفه می کرد.

در قسمت کنسرت ناشناس در استدیوم می خواهم بگویم که در جمع کارمندان رادیو تلویزیون شاید یگانه کسی بوده باشم که نزد محترم ناشناس رفته و گفتم از اجرای کنسرت در استدیوم منصرف شود. زیرا می دانستم که به شهرتش صدمه می زند. محترم ناشناس رویش را به طرف من گشاندند گفت: می دانم ولی چاره ندارم بالا می فشار است. اما نگفتم چه گونه فشار و توسط کی؟ اما فکر می کنم فشار نه از طرف سلیمان لایق و خیال محمد کتوازی بلکه هدایت حفیظ الله امین بوده باشد. زیرا بعداً دیدیم که نظر به هدایت حفیظ الله امین کنسرت هنرمندان نامدار افغانستان از سیتیژ سالون ها، سینما ها به بازار و پارک زرنگار کشانده شد. از همان زمان هنر موسیقی در افغانستان سطح نزولی اش را آغاز نموده که تا امروز نتیجه اش را می بینیم.

از مصاحبه ها و لفاظی های خادیس‌ها مثل "رفیق" زلمی رزمی و "رفیق" احمد شاه راستا چه حاصل می شود و چه می خواهند بگویند. اول این ها قصد کرده اند که از خانه های آرام "امپریالیست ها" خود را دارای اطلاع نشان بدهند برای این خادیس‌ها و سایر شرکاء پیشنهاد می کنم که:

گپ خود تان را بنزید.

گپ بنزید از خاد.

گپ بنزید که وظیفه اصلی تان چی بود.

مصاحبه کنید که هنر مند و مأموران رادیو و تلویزیون و افغان فلم را کی به گیر داد و کی ها شکنجه کردند و کجا بردند.

چه تعداد را در پلچرخی و سایر مناطق اعدام کردید.

چطور آن ها را اعدام می کردید.

کی امضاء می کرد که کارگر و دهقان و هنرمند و مأمور و متعلم کشته شوند.
اگر کسی از این حقیر و فقیر بپرسد، چی بگویم. آیا درست نیست که از شما نام ببرم.
"رفقا" کارمل و نجیب و لایق و غیره رهبران شما آنقدر خیانت کرده اند که با این مصاحبه ها و لفاظی ها و تکذیب
کردن های سخنان ناشناس، شما برائت نمی گیرید. وقتی چهره تان را مردم می بینند و گپ های تان را می شنوند، در
فکر خیانت به مردم و خیانت ملی و وطنفروشی شما می افتند.
در مقابل اگر شما از خاد نوشته کنید و در باره سؤال های فوق مصاحبه کنید، برایتان قول می دهم که مردم می گویند با
گذشت سال ها دربین شان "رفقای"ی پیدا شد که وجدان دارند.
می فهمید چه می گویم؟
خواهش می کنم تهدید هم نکنید که بچه ترس نیستم و گپ دل میلیون ها وطندار داغدارم را می گویم.